

مقاله زیر در محفل بزرگداشت از مقام جانباختگان راه آزادی که به تاریخ نهم جولای سال روان در کانادا برگزار گردیده بود، توسط محترم حلیم پیکار یک تن از هواداران ساما در کانادا، به سمع حاضرین رسانیده شد:

بمناسبت روز شهدا و جانباختگان جنبش ملی و انقلابی افغانستان و سی و هفتمین سالروز جانباختن مجید کلکانی قهرمان ملی و رهبر فرزانه سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما) و جبهه متحد ملی افغانستان

هر آنکه افسر همت نهاده بر سر خویش  
به دست غیر ندهد اختیار کشور خویش

بگو به سغله که در دست اجنبی ندهد

کسی که نان پدر خورده دست مادر خویش  
افغانستان در سی و چند سال اخیر، تاریخ خونین تر از همه دورانی پیش از این داشته است و دریغ بیشتر این که غم انگیزترین رویداد های این دیار در درازای همه سالهای تباهی آور از آغاز تا کنون سیر واژگون و قهقرایی دارد. گویی مقرر همین است که نعش این عزیز به خاک و بخون خفته از پرتگاهی به پرتگاه دیگر و از فاجعه بی به فاجعه دیگر بیفتند. آیا تا دور دست ها آرامشی در چشم انداز پیدا هست؟

با این حال تا آنجا که چشم کار میکند، اینهمه بربادی پایان ناپذیر که پیوسته و هنوز در متن خود گره خورده میروند، ریشه در شوم ترین روز ننگینی دارد که حتی تقویم با بیگانه‌های هایش از یاد آوری آن، شرمسار و پشیمان به خود می پیچد:

کی نمی داند که این همان روز سیاه هفتم ثور 1357 است که سی و نه سال از آن می گذرد. شهید رهبر ۲۸ سال پیش از امروز چنین نوشته بود: (( مثنی از ارادل میهن فروش تعبیه شده در اردوی رژیم با توطئه ننگینی راه را برای استعمار گر روسی آنچنان باز کردند تا گام های نهانی خود را برای مستعمره ساختن کشور ما بر دارد. کودتای هفت ثور نقطه چرخش در تاریخ معاصر کشور ما است که از یکسو هم آغوشی یک ربع قرن ارتجاع بومی را با امپریالیسم روس و مزدوران حلقه بگوش آن به نهایی خونین رساند و از جانب دیگر رژیم وابسته به روس را در تناقضی آشتی ناپذیر با قاطبه ملت و بخصوص خلق زحمت کش و طبقات آزادیخواه میهن دوست و ترقی پسند جامعه قرار داد. طرازنامه حماسی و خونین خلق زحمتکش و آزادیخواه ما در مقابله با تجاوز گستاخانه روسی و سگان زرین قلاوه آن بدون تردید یکی از صفحات پر افتخار در گهنامه پیشرونده بشری است که شهادت بیش از یک میلیون شهید از رشیدترین فرزندان میهن ما، مهاجرت یک چهارم نفوس کشور ما به پاکستان، ایران و دیگر جا ها، ناپدید و زندانی شدن بیش از صد هزار تن دیگر، ویرانی شهر ها و دهات، نابودی اقتصاد، صحت و معارف در سطح کشور و دردناکتر از همه مسخ فرهنگی کتله های وسیع مردم ما در زیر فشار دو جانبه استعمار و ارتجاع و... آن بهای گزاف و جبران ناپذیری است که مردم دلاور ما برای آزاد زیستن و حمایت از هویت ملی خود در محراب آزادی به تصدق گذاشته اند)).

هنگامیکه خود فروختگان و آستان بوسان درگاه کاخ کریمین به فرمان بیگانگان بروی وطن و مردم آزاده آن آتش گشودند، چی ناکسانی که از چهار سو رویای خام پیروزی بر افغانستان را در سر پروراندند. سال ها گذشت و گویا این خواب پریشان هنوز هم نیازمند تعبیر است زیرا بیگانه بخت برگشته نه از خویش پند میگیرد و نه از بیگانه دیگر.

میهن فروشان حزب به اصطلاح "دموکراتیک خلق" سرمست هورا گفتن ها بودند که نخستین سیلی های آزادیخواهی از فراز دره های روشن نورستان به روی شان نواخته شد و بدین گونه آنها نتوانستند پیام شادی برای مسکو و شرکایی جرم شان، دارو دسته برژنف داشته باشند.

مجید کلکانی راد مرد بلند آوازه کشور که در جریان دو دهه قبل از تجاوز روس با دشمنان رنگارنگ کشور به مبارزه قاطع و جدی پرداخت، با کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ و به قدرت رسیدن باند وطنفروشان "خلق" و "پرچم" برای مجید کلکانی و همزمانش فصل دیگری از زندگی سیاسی آغاز شد. این فصل تپ و تلاش هایی بود جهت وحدت بخشیدن کلیه نیروهای انقلابی در یک سازمان منضبط و آهنینی که پاسخ گوی نیاز جنبش در این مقطع تاریخی باشد. حاصل این تلاش ها و کوشش ها طرح و تشکیل سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما) بود که در ماه اسد 1358 از بهم پیوستن چندین گروه انقلابی پدید آمد. مجید کلکانی از رهبران و بنیاد گذاران ساما بود که با درک عمیق از واقعات جامعه ما به این نکته رسیده بود که پیروزی بر سوسیال امپریالیسم روس بدون وحدت همه نیرو های انقلابی، ملی، مترقی و وطن دوست در یک جبهه وسیع، ممکن و میسر نیست لهذا پس از ایجاد ساما به تشکیل جبهه متحد ملی افغانستان به شرکت روحانیون مبارز و نیرو های ملی انقلابی پا به عرصه وجود گذاشت در این جا هم مجید کلکانی نقش تاریخی اش را ایفا کرد.

قیام قهرمانانه کابل در سوم حوت 1358 ( فبروری ۱۹۸۰ ) که در تاریخ کشور به حوت خونین کابل به ثبت رسیده است، ضرورتی پیش آورد تا مجید بایستی پیش از پیش برای تحکیم جبهه متحد ملی تلاش میورزید. در بهبوحه همین تلاش ها بود که

به تاریخ 27 فبروری توسط آدمکشان پرچی با همکاری روس ها شناسائی و دستگیر شد. مجید کلکانی که به تاریخ هفتم حوت 1358 دستگیر و تا شهادتش بتاریخ 18 جوزا 1359 شکنجه های بی پایانی را متحمل شد، همواره از آزادی کشور و مردم آن در زیر شکنجه های وحشیانه دفاع نموده و اسرار ساما و جبهه متحد ملی و جنبش ملی انقلابی را مثل مردمک چشم تا پایان زندگی حفظ نمود.

یاد و خاطره اش جاودان و راه اش پر رهرو باد. روس های متجاوز و باند های مزدوران گمان می کردند که شهادت مجید پایان راه اوست اما بیخبر از آن بودند که اسطوره مقاومت مجید کلکانی با شهادتش از دروازه تاریخ کشور باسرخ روئی گذشت و شعار یا مرگ یا آزادی اش تا نابودی استثمار و استعمار ادامه می یابد.

مردم آزاده افغانستان با مقاومت قهرمانانه و فداکاری خارق العاده و اهدای بیش از یک میلیون شهید بر روس اشغالگر و مزدورانش فایق آمدند ولی تا به امروز به آزادی و صلح و ثبات دست نیافتند. خواست های برحق مردم که بخاطر آن بیش از یک دهه جانفشانی و مصائب بیشتر را متحمل گشته بودند، در خانه جنگی های تنظیمی جهادی وابسته به بیگانگان، بر باد رفت. در دوران حاکمیت تنظیمی جهادی وابسته، دستاورد های توده های ملیونی مردم، در قمار های سیاسی بر سر قدرت و ثروت به معامله گذاشته شد. این بازیها تا حاکمیت طالبان بر سرزمین و مردم زحمتکش آن ادامه یافت.

تجاوز امریکا و شرکا در نوامبر 2001 به کشور ما به بهانه مبارزه با تروریسم برای لحظاتی طالبان را از قدرت سیاسی کشور کنار گذاشت و برادران تنظیمی آنها را به قدرت برگرداند. تراژیدی دیگری با همکاری ارتجاع مزدور و استعمار جنایت پیشه، مقدرات مردم قهرمان ما را در دستان پلید متجاوزین و مجموعه از جنایتکاران جنگی قرار داد. نکته ای که مجید و همزمانش از همان ابتدای کودتای ثور و تجاوز روس ها، خطر آنها به مردم گوشزد کرده بودند و برای جلوگیری از آن تمام تلاش خود را به بهای جانهای شیرین شان، بخرج دادند تا تبدیل از ادیخواه ملی و مترقی را - برای حراست از مبارزات آزادیبخش مردم و اعمار جامعه بدور از ستم و حاکمیت های استعماری و ارتجاعی - در صحنه سیاسی کشور اقتدار بخشند.

در اولین اعلامیه سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما) در اسد 1358 چنین آمده است: " درین نبرد سهمگین - جهانخواران امپریالیست - که یکی در تلاش استیلا، با اتکا بر سرمایه دلال دولتی، میکوشد کشور ما را به مستعمره مقهور و پرشگاه توسعه جونیهای بعدی خود مبدل سازد و دیگری از سنگر رقابت، با دمسازی با نیروهای رجعتگرا میخواد جنبش آزادیبخش خلق ما را به بیراهه تاریک عقیماندگی و اسارت مخفی رهنمون شود - در یک صف و خلق قهرمانی که با عشق شکوهمند به میهن و با دلبستگی غرور انگیز به نوامیس ملی در راه آزادی، رفاه و کرامت انسانی خود میروند در صف دیگر قرار دارد. "

امروز با گذشت سی و هشت سال از آن اعلامیه ملت ما شاهد همان پیشگویی های داهیانه مجید و سازمانش میباشند.

در مقطع کنونی تاریخ کشور، ما شاهد تداوم جنگهای وحشیانه متجاوزین و مزدوران طالبی و داعشی آنها علیه مردم بی دفاع، مقاوم و زحمتکش خود میباشیم. این توحش جنگ و ترور علیه مردم در مسیر اهداف اشغالگران و با همیاری و همکاری حلقات مشخصی در درون دولت مزدور زندگی صلح آمیز مردم را به نابودی سوق داده است. اگر تا دیروز جنگ بیشتر مناطق شرقی و جنوبی کشور را هدف قرار داده و از مردمان بیدفاع در آن نواحی کشور بخون نشسته ما قربانی میگرفت، اکنون از برکت دولت مزدور " وحدت ملی "، در سایه قرارداد های " استراتژیک " و " امنیتی " با اشغالگران، جنگ را به سایر نقاط در شمال و غرب کشور، توسعه داده اند تا رقبای خود را در همسایگی شمال و غرب میهن ما زیر فشار قرار دهند. یکبار دیگر سرزمین ما به میدان جنگ های نیابتی قدرتهای بزرگ جهانی و منطقه قرار گرفته است.

تلاش حلقات جاسوس بیگانه در دولت مزدور برای خدشه دار کردن وحدت ملی مردمان کشور از همه ملیتهای برادر این سرزمین، یکی از اهداف تعیین شده برش زمانی فعلی است. آنها برای نیل به این هدف تمام امکانات خود را بکار خواهند گرفت تا از مناطق شمال و غرب کشور بحیث تخته پرش به کشور های همجوار، استفاده کنند. آوردن گلبدین جنایت پیشه (چهره شناخته شده مشترک سی آی و آی اس آی) در میدانهای سیاسی و نظامی کشور هم در همین راستا صورت گرفته است.

گلبدین بحیث مهره قابل اعتماد برای اشغالگران و دست پروردگان بومی شان در دستگاه دولتی و نظامیان پاکستان، میکوشد مقاومت مردم را در مقابل حيله گری های استعمار برای انتقال جنگ به مناطق امن شمال و غرب کشور، در هم شکند. بهمین دلیل است که طالبان تروریست و جنایتکار را که هم اکنون برای اجرای نقشه های استعمار نه تنها مناطق نفوذ قبلی شان در شرق و جنوب کشور، بلکه مناطقی از شمال و غرب کشور را هدف تحرکات وحشیانه خود قرار داده اند، برادر خطاب میکند.

هم میهنان عزیز! توطئه های اشغالگران و مزدوران بومی شان در درون دستگاه دولتی و در بیرون و حواشی آن را لحظه به لحظه خنثی کنید. به دشمنان وطن و مردم اجازه ندهید سیاست های نفاق افغانانه خود را به دوش مردم ستمدیده ما بیش از این حمل کنند. نفاق افغانان را از هر قماشی که باشند رسوا ساخته، امکان مانور را از آنها بگیرید جنگهای تباهی آور کنونی را که فقط آرزوهای استعمارگران اشغالگر را تداعی میکند، با تمام قوا نفی کنید. مردم ما نزدیک به چار دهه است در آتش جنگ میسوزند، جنبش ضد جنگ را براه انداخته و آتش بیاران معرکه، که خون ملت را به شیشه کرده اند افشاً و نگذارید به اهداف و نیات شوم شان برسند. مردم ستمکشیده ما همانطور که غول امپریالیسم شوروی را به زانو در آورد، بر دشمنان کنونی خود هم که ابزار گوناگونی از قدرت و توطئه را در دست دارند - پیروز میشوند. تاریخ پرشور مقاومت های مردمان این سرزمین گواه این ادعا است.

زوزه کشیدن های تسلیم طلبانه روشنفکران انقلابی نما، که با تغییر انقلابی جامعه اسیر (در بند امپریالیسم اشغالگر و ارتجاع مزدور) وداع گفته اند کمال بی ایمانی آنها را به انقلاب و عدم اتکای شان را به توده های ملیونی مردم، برملا ساخته است. هسته اساسی عامل وجودی سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما) مبارزه انقلابی در جهت منافع همه زحمتکشان جامعه، برای طرد تجاوز استعماری و استبداد ارتجاعی میباشد. تظاهر به انقلابی گری و سقوط در ورطه اصلاح طلبی در قالب نظام حاکم استعماری که به کمک اشغالگران بنا یافته و اهداف چپاولگرانه آنها را تعقیب کرده و بر ضد منافع اکثریت مطلق جامعه قرار گرفته است، علی الرغم ژست های دمکرات مآبانه - جز تائید وضعیت اسفبار کنونی و تسلیم در برابر امپریالیسم و مزدوران بومی شان، مفهومی دیگر در قاموس انقلاب ما نمیتواند داشته باشد. پوشیدن نقاب دمکراسی در جامعه تحت اشغال و در حاکمیت نیروهای ارتجاعی مستبد، که اکثریت آنها را جنایتکاران مشهور تشکیل میدهند تنها میتواند آرایشگر چهره زشت استعمار امپریالیستی و شرکای بومی آنها باشد.

ما معتقدیم که ساما همواره با هر نوع تسلیم طلبی، چه تاکتیکی و چه استراتژییک بیگانه بوده و آرمان های خویش رانمانند مردمک چشم با خون خود پاس داشته و میدارد. در قاموس ساما ایستادگی به عهد و پیمان و وفاداری به راه شهدا با خطوط زرین نوشته شده و سر لوحه زندگی راهپیمانش را تشکیل میدهد. ارزش زندگی در آزادی است، زیرا اسارت معادل مرگ است انهم مرگی زبونانه و خفت آور. روشنفکران فریبکاری که هم به نعل میزنند و هم به میخ، مردمی جلوه کرده و برضد منافع والای مردم عمل میکنند و نیز آنهاستیکه اینهمه اشغالگری و جنایت در حق مردمان این سرزمین را نادیده انگاشته و ناگفته میگذارند و آنهاستیکه در قالب نظام استعماری حاکم بر کشور به مردم زحمتکش این خطه جفا کرده و هنوز هم دست از شرارت بر نمیدارند و در صف دشمنان قسم خورده مردم قرار دارند، نباید فرصت داد در صفوف مردم رخنه کنند.

وحدت ملی ما رمز پیروزی و سعادت ما است!

دست اشغالگران و جنگ افروزان از میهن ما کوتاه!

یا مرگ یا آزادی!

(سرطان ۱۳۹۶)

(هواداران سازمان آزادیبخش مردم افغانستان در کانادا)